

011141
ردیف: ۱۴۷۲۲۷۵
کتابخانه: ...

فرهنگ تفصیلی اصطلاحات پزشکی

فارسی - عربی - انگلیسی

ترجمه و تألیف: د. ربیبه رحمانی

با همکاری: د. زمره قربانی - زهرا صدریان



فهرست مطالب

دیاچه	۱-۱
راهنمای استفاده از فرهنگ	ز
أ- ی	۱-۳۰۲
فهرست عربی-انگلیسی	۳۰۲-۳۹۷
فهرست انگلیسی-عربی	۳۹۸-۴۹۲

www.ketab.ir

دیباچه

اصطلاح به هر نماد قراردادی که نمایانگر مفهومی در یک حوزه موضوعی تعریف شده باشد اطلاق می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، اصطلاح به معنای اتفاق نظر بر کلمه یا ترکیب و یا سمبل خاصی برای بیان مفهومی مشخص در علم یا هنر یا صنعت است. اصطلاح غالباً از معنای لغوی یا زبان عرفی گرفته شده و به آن تشخیص داده می‌شود و اغلب بر مفاهیم دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، کارشناسان و متخصصان رشته‌های مختلف علمی برای بیان مفاهیم مورد نظر خود همیشه واژه‌سازی نمی‌کنند بلکه اغلب از کلمات موجود در زبان استفاده می‌کنند با این تفاوت که آن را در معنا و مفهوم خاصی که ویژه آن علم است به کار می‌برند و در آن معنا تثبیت می‌کنند. البته نباید ارتباط و پیوند بین معنای لغوی و اصطلاحی را فراموش کنیم. این پیوند اگرچه گاه اندک است و به سرعت به ذهن متبادر نمی‌شود، ولی هرگاه یک رابطه ارتباطی بین دو معنای اولیه و ثانویه وجود دارد که بعضی اوقات درک این ارتباط، نیازمند دقت را انداختن است.

ارتباط بین معنای لغوی و اصطلاحی چند گونه است:

۱. این پیوند و ارتباط، گاه مستقیم و در راسته یافتگی معناست و همان معنا به شکل گسترده‌تری در اصطلاح به کار گرفته می‌شود مانند اصطلاح «تقصیر» که در لغت به معنای کوتاه کردن و در عرف به معنای گوناخی کردن عمدی است ولی در تمه اسلامی معنایی کاملاً اصطلاحی دارد و در حج به معنای کوتاه کردن صوی سر و ناخن است و «رائین مدنی» مفهوم دیگری را می‌رساند. مثال دیگر کلمه «تصدیق» است که در لغت به معنای قبول کردن و اذعان داشتن و باور کردن است و در زبان عرف به گواهی‌نامه رانندگی گفته می‌شود، ولی در علم معنایی کاملاً اصطلاحی دارد و در مقابل تصور قرار می‌گیرد.

۲. ارتباط بین معنای لغوی و اصطلاحی گاه در قالب مجاز یا استعاره یا کنایه است. به این معنا که با بهره‌گیری از این آرایه‌ها، کلمه دارای تشخیص و برجستگی می‌شود و از معنای لغوی خود فاصله زیادی می‌گیرد و معمولاً کشف این رابطه و پیوند به دقت و موشکافی نیازمند است. مانند «قَمَعة» که در لغت به معنای قلعه کوه است ولی در علم سیاست به صورت استعاری به سران کشورها اطلاق می‌شود، چون بالاترین مقام کشوری محسوب می‌شوند و «مُؤْتَمِر القَمَعة» به معنای کنفرانس سران است. برای مثال دیگر در زمینه اصطلاحات پزشکی می‌توان به اکزما اشاره کرد که در زبان عربی

«النملة» یعنی مورچه گفته می‌شود زیرا جوش‌ها و تاول‌های ایجاد شده در اثر انگزما شبیه مورچه است و یک رابطه تشبیهی بین معنای لغوی و اصطلاحی آن وجود دارد. نیز معنای «حقیقه» در زبان عربی کیف است ولی در اصطلاح سیاسی به طور کنایی به مقام وزارت یا وزارتخانه اطلاق می‌شود و «وزیر بلا حقیقه» (وزیر بدون کیف) به معنای وزیر مشاور است یعنی وزیری که وزارتخانه ندارد. دلیل چنین کاربردی شاید آن باشد که وزیران معمولاً کیف حاوی اسناد و مدارک وزارتخانه را به همراه خود دارند.

تفاوت واژه و اصطلاح:

۱. اصطلاح همان که پیشتر آمد، واژه‌ای توسعه یافته است به این معنا که حدود معنای یک واژه از فضای قاموسی آن اثر رفته و مفهوم آن واژه توسعه می‌یابد و به اصطلاح تبدیل می‌شود.
۲. اصطلاح مترادف با رست است. به این معنا که مترادف‌ها در لغت رواج بسیاری دارند (البته اگر بپذیریم که مترادف وجود دارد). کاربرد مترادف‌ها به جای یکدیگر، نه تنها اختلافی در تفهیم و ابلاغ پیام ایجاد نمی‌کند بلکه به غنا و قدرت آن می‌افزاید؛ به عنوان مثال در لغت و در زبان عرف و کاربرد روزمره می‌توانیم به جای «واجب» از کلماتی نظیر «لازم»، «ضروری»، «اجباری» یا «الزامی» استفاده کنیم، اما در فقه یا فلسفه نمی‌توانیم. اصطلاح «واجب» از مترادف‌های آن استفاده کنیم و حتی در هر یک از علوم فقه و فلسفه، مفهوم واجب متفاوت است، چرا که در فقه، واجب در مقابل «حرام» قرار می‌گیرد و در فلسفه نمی‌توان به «واجب الوجود» از «لازم الوجود» استفاده کرد و «ممکن الوجود» در مقابل آن است.

۳. اصطلاحات هر علم، پایه و اساس آن علم را تشکیل می‌دهند و بدون اصطلاحات یک علم نمی‌توان به آثار یا منابع آن رشته علمی مراجعه کرد و از آنها بهره برد. به عبارت دیگر، قوام یک علم یا فن، به اصطلاحاتی است که در آن علم یا فن وجود دارد. از این رو پیشگاه هر رشته علمی، ابتدا فرهنگ اصطلاحات آن علم را وضع و تدوین می‌کنند تا بتوانند راه تفهیم و تفاهم و گسترش آن علم را بگشایند. کتاب «الحدود» ابن سینا نمونه‌ای کهن در اصطلاح‌شناسی علم فلسفه است.

تعبیر اصطلاحی:

اصطلاح‌ها یا تعابیر اصطلاحی، گروهی از واژه‌ها هستند که مجموعاً دارای درک و معنایی استثنائی

و ویژه می‌باشند. مفهوم اصطلاح را نمی‌توان از معنا کردن لغوی کلمه یا تک‌تک کلمات تشکیل‌دهنده آن حدس زد. اصطلاح‌ها دارای مفهوم اختصاصی بوده که پیام آن، متفاوت از پیام استنباط شده از کنارهم قرارگرفتن معنای تک‌تک کلمات سازنده آن جمله می‌باشد. به عبارت دیگر، معنی اصطلاح‌ها مختص به خود بوده و با معنای مستقیم و عادی کلمات تشکیل‌دهنده آنها بسیار متفاوت است. اصطلاح‌ها مربوط به بخش استعاری زبان بوده و با فرهنگ آن زبان عجین هستند. اصطلاح‌ها همانند استعاره‌ها، تشبیه‌ها و مثل‌ها مفهومی تمثیلی، درکی استعاری، اثری خاص و توصیفی خیال‌گونه دارند. معنای آنها همیشه شفاف و هویدا نیست و گاهی مقصودی مبهم و پیچیده دارند. به عنوان مثال، «دست درد نکنه» یک تعبیر اصطلاحی است که اهل زبان، مفهوم آن را به خوبی درک می‌کنند و موقعیت استفاده از آن را می‌دانند. تفاوت اصلی تعابیر اصطلاحی با اصطلاح آن است که تعابیر اصطلاحی بر خلاف اصطلاحات علمی، مترادف دارند و تقریباً هم‌معنای یکدیگر هستند و استفاده از آنها در یک حوزه کاربرد دارد. به عنوان مثال، به در زبان فارسی «سر کسی را کلاه گذاشتن»، «سر کسی را شیره مالیدن» و «کلاه از سر کسی برداشتن» هر یک به معنای کسی را فریب دادن به کار می‌رود.

اهمیت اصطلاحات و علم اصطلاح‌شناسی

توسعه اصطلاح‌شناسی به عنوان یک شاخه کاربردی اصول اصطلاح‌شناختی و هماهنگی بین‌المللی در کار اصطلاح‌شناسی می‌تواند به پرهیز از اشتباهات احتمالی در برقراری ارتباط موضوعی کمک کند. تعداد بی‌شماری از مفاهیم جدید، که در تمام حوزه‌های فعالیت بشری مطرح می‌شوند، باید با اصطلاحات موجود و یا با اصطلاحات متشکل از ترکیب شدن واژگانی (ریشه‌ها و وندهای) هر زبان بیان شوند. تعداد عناصر واژگانی چند هزاری بیش نیست، و آن تعداد مفاهیم به میلیون‌ها می‌رسد. این رابطه ناخواسته می‌تواند به وضعیتی منجر شود که در آن، ارتباط انسان - انسان، انسان - ماشین، و ماشین - ماشین بتدریج به نقطه سکون برسد. اتخاذ یک رویکرد نظاممند و کاربرد اصول اصطلاح‌شناختی در کنار اصطلاح‌نگاری به کمک رایانه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای رویی با این وضعیت است.

دانش علمی و مهارت‌های فن‌آوری در مناطق گوناگون جهان پراکنده است. انتقال دانش و مهارت‌ها فقط در صورتی ممکن است که اصطلاحات لازم در زبان‌های مربوطه توسعه یابد. به این دلیل در کشورهای نظیر جمهوری خلق چین، ژاپن، کشورهای عربی، آفریقایی و آمریکای جنوبی تلاش‌هایی برای تدوین اصطلاحات در حوزه‌هایی که مردم این کشورها تصمیم دارند پیشرفت ملل دیگر را در آن

حوزه‌ها دنبال کنند صورت می‌گیرد.

مترجمین نوشتاری و شفاهی عمدتاً اولین کسانی هستند که به هنگام انتقال اطلاعات از زبانی به زبان دیگر، اهمیت اصطلاحات و مشکل فقدان آنها را احساس می‌کنند. کتابی که پیش رو دارید نیز برای تسهیل کار مترجمین و کمک به صحت و شیوایی متن، ترجمه، تهیه و تنظیم شده است.

فرهنگ اصطلاحات به ابزاری ضروری برای بازیابی اطلاعات تبدیل شده و این امتیاز را دارد که نسبتاً انعطاف‌پذیر است و می‌تواند پیشرفت‌های جدید علمی را با سرعت بیشتری در برگیرد. ایجاد یک اصطلاحنامه شامل کار اصطلاح‌شناسی نظام‌مند و تشریح روابط بین مفاهیم است.

ارزش فنی اصطلاحات:

همه فعالیت‌های انسانی و همه حوزه‌های دانش دارای تعداد انبوهی از مفاهیم است که با یکدیگر در همان حوزه با مفاهیم حوزه‌های دیگر، و با مجموعه‌ای از اصطلاحات متناسب به این مفاهیم مرتبط هستند. پس فنی در این حوزه‌ها تعداد مفاهیم جدیدی را که باید برای آن‌ها اصطلاح مناسب ساخت افزایش می‌دهد. این مفاهیم را باید با نظام مفهومی جاری هماهنگ ساخت. این تلاش برای یافتن یا ساختن اصطلاحات مناسب برای مفاهیم جدید، و تعریف مفاهیم هم‌فعالیتی علمی و هم اصطلاح‌شناختی است. فرهنگ اصطلاحات به بهره‌اگر تفسیری باشد هدف آشنایی با علم مورد نظر از طریق آشنایی با اصطلاحات آن علم و نیز انتقال دانش معرفت از زبانی به زبان دیگر در قالب ترجمه را میسر می‌سازد.

اصطلاحات پایه‌ای هستند برای:

- نظم بخشی دانش بر مبنای روابط مفاهیم (نظریه کلی علم، رده‌بندی مفاهیم، پای هر رشته علمی)؛
- انتقال دانش، مهارت‌ها، و فن‌آوری (تربیت، آموزش، خواندن متون علمی و فنی و...؛
- تدوین و اشاعه اطلاعات علمی و فنی (نگارش، ویرایش و انتشار منابع علمی)؛
- ترجمه متون علمی و فنی به دیگر زبان‌ها؛
- چکیده‌نویسی و تلخیص اطلاعات موضوعی؛
- ذخیره و بازیابی اطلاعات علمی و فنی (زبان‌های نمایه‌سازی، اصطلاحنامه‌ها، شیوه‌های رده‌بندی)....